

بیانات در مراسم اعطای نشان فتح به فرماندهان و نیروهای نظامی ارتش و سپاه - 15 / بهمن / 1368

بسم الله الرحمن الرحيم

این مراسم موجب شد که علاوه بر خاطره‌ی فتح تاریخی ملت ایران و فجر عظیم تاریخ اسلام که این روزها در گوشه و کنار جامعه و ذهن و دل ملت ما مشهود و برجسته است، خاطره‌ی دوفتح بزرگ و دو جهاد پیروز - که در حقیقت هر جهادی مجموعه‌ی از پیروزیها و مجاهدتها و عظمتهاست - در ذهن ما زنده بشود.

اگر چه جمع معتنابهی از فرماندهان و برجستگان عملیات کربلای 5 و 7 امروز مورد تقدیر و تشکر قرار گرفتند، ولی بی‌شک فقط شما نبودید. بسیاری از کسانی که در این عملیات تلاش کردند و زحمت کشیدند و جان و زندگی و همت و نیرویشان را در دستان خود گرفتند و آماده‌ی نثار به پای این انقلاب و ملت و کشور شدند، به شهادت رسیدند و بسیاری هم امروز هستند و ممکن است بعضی از آن عناصر عزیز را ما تا آخر هم نشناسیم.

چه قدر از بسیجیان و سربازان و پاسداران و جهادگران و دیگر نیروها وجود دارند که به نحوی در جبهه حضور داشتند و در این دو عملیات و در بقیه‌ی روزهای دشوار و پرافتخار جنگ تحمیلی تلاش و فداکاری کردند و ما حتی نام آنها را هم نمی‌دانیم؛ ولی قدر آنها در نزد کرام‌الکاتبین و قدیسین و کروبین ملا اعلی محفوظ و مضبوط است.

مسأله این است که شما برادران ارتشی و سپاهی و بسیجی و دیگر کسانی که به‌نحوی با نیروها و دفاع مسلح سروکار دارید، باید به این نکته توجه داشته باشید که عضویت در نیروهای مسلح افتخار است و هیچ افتخاری هم برای یک ملت، معادل این گونه افتخارات نیست. اگر ملتی مثل ملت ایران دارای هدفهای بلندتری است، نیروهای مسلح جسم و جان خودشان را برای فداکاری در راه ملت و کشورشان آماده نگه می‌دارند و هیچ افتخاری برایشان بالاتر از این نیست.

هرکس عضو نیروهای مسلح است، باید احساس سربلندی کند و همه‌ی کسانی که در چارچوب این ملت و کشور زندگی می‌کنند، باید برای اعضای نیروهای مسلح، این افتخار و ارزش را قایل باشند و بشناسند و بدان اعتراف کنند. البته، افتخار به فداکاری است و امکان فداکاری به آمادگی جسمی و روحی است و نیروهای مسلح بایستی روحا و جسما خودشان را آماده نگه دارند. در صورتی که ما قوی باشیم، خواهیم توانست تهدیدها را از کشور و ملتمان دور کنیم. کسانی که در وجود شیطانیشان، وسوسه‌ی تعرض و تجاوز و بدخواهی و آتش افروزی است، اگر بدانند که این ملت قادر است از خود دفاع کند و آماده‌ی این دفاع است، این وسوسه‌ها در وجود آنها سرکوب خواهد شد.

آن روزی که دشمن از مرزهایمان به ما حمله‌ور شد، فکر نمی‌کرد ملت ما بتواند از خودش دفاع کند. ملت را ضعیف پنداشته بود که به ما حمله کرد. دنیای استکبار هم که رژیم عراق و شخص صدام حسین را در حمله به مرزهای ما تحریک کرد، ملت ما را ضعیف انگاشته بود. اگر هر متعرض و متجاوز احساس کند که ملت و نیروهای مسلح ما توانایی دفاع ندارند، آنگاه خطر جدی و حتمی خواهد شد. باید نیرومند بودن این ملت، در نیروهای مسلح تجلی کامل پیدا کند. البته ملت ما، ملتی بسیار نیرومند و دارای قدرت تمام نشدنی برای دفاع از خود است - در این هیچ شکی نیست - این قدرت و این توانایی باید در نیروهای مسلح جلوه‌ی کامل خود را پیدا کند.

ارتش و سپاه، باید از لحاظ سازماندهی و روحیه و دانش رزمی و تجهیزات و از همه‌ی جهاتی که در امکان دفاع تأثیر دارند، در حدی باشند که شایسته‌ی ظرفیت این ملت است. آن روزی که دشمن در سال 59 به ما حمله کرد، او از یک نظر درست فهمیده بود. او نیروهای مسلح را دیده بود، اما ملت را ندیده بود. در آن زمان، نیروهای مسلح ما دچار ناتوانی و ضعف بودند و دشمن نمی‌توانست قوت ملی ما را درک کند و این طبیعی است که رژیمها و اشخاصی که با ملتها و آحاد مردم سروکار و ربطی ندارند، نمی‌توانند نیروی این ملت و قدرت ایمانی ناشی از آن را درک کنند.

ملت ما، این نیرو و قدرت را در خلال عمل نشان داد. این بسیجهای عظیمی که مردم ما شدند و نیروی تمام نشدنی‌یی که این ملت تا لحظه‌ی آخر از درون خود جوشاند، نیروهای مسلح را هم قوی و مستحکم کرد و به آنها

روحیه و توان حقیقی داد. نیروهای مسلح ما، تشکیلاتی متشکل از خود این ملت هستند؛ بنابراین همان نیرو در آنها هم هست. سازماندهی نیروهای رزمیمان، بایستی حاکی از قدرت ملت باشد و قدرت مردم را نشان بدهد. امروز، ما این را از شما می‌خواهیم. مسؤولان ارتش و سپاه بدانند که این، مسؤولیت غیرقابل تخلف آنهاست. امروز، ارتش و سپاه باید هرچه می‌توانند - یعنی بی‌نهایت - خودشان را قوی کنند. شما می‌توانید خودتان را بی‌نهایت قوی کنید. نگویید ما را پشتیبانی لجستیک و حمایت مالی و پولی و غیره بکنید تا ما قوی شویم. نه، طبیعی است که مسؤولان یک کشور، در درجه‌ی اول همه‌ی امکاناتشان متعلق به نیروهای نظامی است و هرچه که در بنیه‌ی کشور امکان داشته باشد، نیروهای مسلح پشتیبانی خواهند شد که این نکته، در جنگ هم نمایان بود. شما دیدید که چند سال همه‌ی امکانات کشور را تا آن جایی که می‌سور بود، تقریباً در اختیار نیروهای مسلح گذاشتیم. الان هم همان‌گونه است و همان‌طور هم خواهد بود. نباید هیچ‌گونه تحرکی از طرف شما - که سپاه و ارتش هستید - متوقف به این بماند که از شما پشتیبانی مورد نظرتان را بکنند. آن مقداری که ممکن و لازم است، پشتیبانی می‌شود؛ لیکن شما تلاش خودتان را بکنید.

امروز، وسوسه‌ها در مورد ارتش و سپاه تمام شده است. نمی‌گوییم بکلی تمام شده؛ اما وسوسه‌ی که گیرا باشد، دیگر وجود ندارد؛ چون از طرف مسؤولان، حرف کامل و قاطع زده شده و حتی خطوط ریز آن تقریباً معین شده است. ما کمیته و هیأتی را مأمور کردیم که نشستند و تقریباً خطوط ریز را بین ارتش و سپاه بحث کردند و مورد تبادل نظر قرار دادند و ما تقریباً و بتدریج به نقاط نهایی نزدیک شده‌ایم و می‌شویم.

از نظر من، تقریباً اصول و کلیات روشن است؛ ولی در مورد جزئیات گفتم آقایان بنشینند و جزئیات را بحث و بررسی کنند و راه حل پیدا نمایند. در این زمینه‌ها، هیچ‌گونه ابهامی وجود ندارد و نباید وسوسه‌ی باشد. اگر از کسانی که در ارتش و سپاه هستند - بخصوص کسانی که در رده‌های نسبتاً بالایی این دو نیرو هستند - چیزی شنیده شود، قطعاً قابل قبول و پذیرش نیست. اگر کسی بگوید من امنیت شغلی ندارم، باید اشکال را در خودش جستجو کند. باید دید در درونش چیست که احساس امنیت نمی‌کند. اگر کسی بگوید من آینده‌ی سازمان خودم را نمی‌دانم، باید دید ایراد در ذات او چیست، او را باید پیدا کرد؛ والا آینده کاملاً واضح و روشن است.

وجود این دو سازمان رزمی، برای حفظ این کشور و انقلاب لازم است و باید همه با هم در محدوده‌هایی که مشخص شده است، همکاری کنند. من، در مورد تمام این جزئیات و خصوصیات، احساس مسؤولیت می‌کنم. من، نمی‌توانم قبول بکنم که کسی آن جا بنشیند و بدون هیچ‌گونه احساس مسؤولیتی، دهانش را باز کند و راجع به هر یک از این دوسازمان چیزی بگوید. این، امانتی است که دست من سپرده شده و من باید آن را حفظ کنم. در نظام جمهوری اسلامی، فرماندهی نیروهای مسلح چیزی نیست که کسی با قهر و غلبه به دست آورده باشد تا دیگری بگوید این غاصب است؛ بلکه چیزی است که با استحقاق از طرف مردم به مقامی داده شده و امانتی در اختیار اوست. من، امانتدار مردم نسبت به نیروهای مسلح و ارتش و سپاه هستم. شما ارتش و سپاه، دو سازمانی هستید که امانت مردم در دست من می‌باشید. من، این امانت را حفظ کرده و از آن دفاع خواهم کرد. در این زمینه، هیچ‌گونه سستی از هیچ کس پذیرفته نیست؛ چه رسد به این که حرفها یا اظهاراتی صادر شود که موجب سستی در یک جمع گردد.

هر کدام از شما آقایان که مسؤولیتی دارید، حیطه‌ی زیر دستتان نزد شما امانت است؛ امانتی از جانب خداوند و ملت و نظام جمهوری اسلامی. فرماندهان عمده و آنها که مقامشان بالاتر است، امانتشان سنگینتر و مسؤولیتشان بزرگتر می‌باشد. هر کدام از شما - ولو فرماندهی یک گروهان و یا یک قسمت کوچک باشید - امانتی دست شما سپرده است و حق ندارید این امانت را همین‌طور بیندازید و به امید تقدیر رها کنید و به کار و فکر دیگری بپردازید. خیر، اگر بعضی از فرماندهان در آن نقطه‌ی که مأموریت آنهاست، حضور پیدا نکنند یا مرتب حضور پیدا نکنند، خیانت کرده‌اند.

اگر در جایی که به دست شما سپرده شده است، نمی‌توانید حضور پیدا کنید، مشخص کنید و بگویید تا نتوانستن شما را علاج کنند. باید به طور دایم و با دقت و مراقبت، آن جایی که هستید و در آن حیطه‌ی که دست شماست،

حضور داشته باشید. اگر غیر از این باشد، در امانت خیانت شده است. خیال نکنید که خیانت چیز عجیب غریبی است. خیانت در امانت که شاخ و دم ندارد. هر نوع کوتاهی کردن در حراست از آن چیزی که در اختیار شماست، خیانت است و خیانت در امانت از هیچ کس پسندیده و پذیرفته و مقبول نیست. اگر فرماندهی یک قرارگاه یا یگان عمده یا رئیس یک اداره مهم و یا رئیس یک قسمت کوچک هستید، فرقی نمی کند. هر چه هستید، آن حیطةی زیر امر شما که در اختیارتان است، در دست شما امانت است و باید آن را با کمال قدرت و دقت و وسواس و بدون اندکی سستی و قصور، حفظ کنید. اگر چنین کاری نکردید، به این کشور و ملت، ضرری وارد شده است. ما در طول این هشت سالی که گذشت، باید تجربه های زیادی آموخته باشیم. باید چیزهایی که نداشتیم، فراهم کنیم و آن چیزهایی که داشتیم و خوب نگه نداشتیم، طرز نگهداری آنها را یاد بگیریم. باید یاد بگیریم که از آن چیزهایی که داشتیم و خوب از آنها استفاده نکردیم، خوب استفاده کنیم. آن چیزهایی که نفهمیدیم وجودش در هنگام ضرورت لازم است و خسارتی که از این ناحیه بر ما وارد شد، باید جلوی این کار و خسارتهای مشابه را بگیریم.

صفحه ی جنگ و صفحه ی هشت سال تجربه، در پیش روی ما گشوده شده است. این صفحه را ببینید و یک بازنگری بکنید: "ثم ارجع البصر کرتین": دوباره نگاه کنید، ببینید چه خبر است. میدان جنگ چه خبر بود؟ چگونه می توانست باشد و چرا آن طور نشد؟ به خودمان برگردیم و درس بگیریم. باید از آنچه که گذشته و پشت سر ماست، درس بگیریم و می توانیم درس بگیریم.

روزهای باشکوه و عزیز و شبهای فراموش نشدنی یی در این هشت سال گذشت. شبهایی که - به تعبیر بعضی از رؤسای کشورها - تا صبح دوستان و دشمنان ما در سراسر دنیا خوابیدند. چه شبهایی بر شما رزمندگان گذشت. آنهایی که شهید شدند، آنهایی که در منطقه ها حضور داشتند، آنهایی که فداکاری کردند، می دانند و بدانند شما ساعات و شبهایی را گذراندید که در سرتاسر دنیا، دشمنان شما از وحشت و دغدغه و دوستان شما از شادی و هیجان خوابیدند. چیزهای عجیبی گذشت و در مدت هشت سال، در این خط و نوار مرز کارهای عجیبی انجام گرفت.

دشمن، به هر حال دشمن است و من هم نمی توانم از غیب بگویم آن دشمن بیدار یا خواب است، یا قصد جنگ دارد یا ندارد، یا خواهد جنگید و یا نخواهد جنگید؛ ولی می گویم که دشمن، دشمن است و مادامی که از خودش انصاف نشان نداده است و پشیمانی از تجاوز و تعرض در او مشهود نیست، بایستی از او برحذر بود. دشمن، چنین است؛ مگر این که نشان بدهد دشمن نیست.

رژیم عراق با تهاجم به مرزهای کشورمان در یکی از سخت ترین شرایط تاریخی زندگی ما، نشان داد که با ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی و سلامت و صلح منطقه دشمن است. این را نشان داد و ثابت کرد و جای تردید نیست. امروز و در طول آن هشت سال، کدام آدم عاقل و مطلعی در دنیا باور کرده است که تهاجم صدام حسین و لشکرانش به مرزهای جمهوری اسلامی، عکس العمل چیزی یا یک حرکتی بوده است؟! از این حرفها گفته و می گویند؛ اما کدام آدم عاقل و مطلعی ممکن است چنین چیزی را باور کند؟! به هر حال، اگر از روی شیطنت و شرارت و حماقت و تحریک پذیری از دشمنان اسلام و تحریک شدن حس جاه طلبی او به وسیله ی بعضی از مرتجعان موذی منطقه بود، ضربه را خوردند و این ضربه، ضربه یی فراموش نشدنی برای خودشان و دیگران است. امیرالمؤمنین (ع) فرمود: "ان أخوا الحرب الارق": مرد جنگ بیدار است. بیدار باشید. این بیداری، در عمل شما نشان داده خواهد شد. این، چیزی است که ملت ایران از شما می خواهد و من به عنوان فرماندهی شما از شما می خواهم. باید این بیداری را در عملتان نشان دهید. عذری برای آماده نبودن پذیرفته نیست. برای پیگیری این آمادگی، من دستورات لازم را هم به ستاد فرماندهی کل قوا و هم به ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران داده ام. ستاد کل سپاه پاسداران هم در جریان آنچه که ما به ستاد فرماندهی کل قوا دستور داده ایم، است. باید همه ی نیروهای مسلح و همه ی عناصر فعال در این نیروها، هر کدام از جهتی سهم خودشان را در حفظ آمادگی و افزایش قدرت ایفا کنند.

امیدواریم که خدای متعال به شما کمک کند و ان شاءالله این توفیق را هم به ما بدهد که بتوانیم یاد رزمندگان عزیز و شجاعت‌های بزرگ آنها را همیشه زنده بداریم. این، یک وظیفه‌ی قطعی بر عهده‌ی ماست و اهدا و تقدیم این نشان به شما نیز به‌همین معناست. این اقدام، بزرگداشت شجاعت و فداکاری‌یی است که در آن برهه از شما صادر شد و این چیز کوچکی در مقایسه با آنهاست. آنچه مهم‌تر و بزرگ‌تر است، سپاس الهی و پاداش معنوی تمام نشدنی است.

والسلام علیکم ورحمه‌الله و برکاته